

شکوفایی بحث های کلامی در عصر امام صادق

<?xml encoding="UTF-8">

آغاز پیدایش علم کلام در جهان اسلام

تحقیق بیش تر و عمیق تر درباره موضوع بحث (شکوفایی بحث های کلامی در عصر امام صادق علیه السلام و علل آن) می طلبد تا درباره پیشینه علم کلام و آغاز پیدایش آن در جهان اسلام، کندوکاوی هر چند کوتاه صورت گیرد. بر این اساس و به عنوان پیش درآمد بحث، به بررسی و تحقیق پیرامون تاریخ پیدایش علم کلام در اسلام می پردازیم.

علم کلام و یا بهتر بگوییم علم اعتقادات، که به خاطر نقش حساس و تعیین کننده آن در گرایش های عقیدتی و عملی، از آن به «فقه اکبر» تعبیر می شود - در برابر، علم فقه و فروع فقهی که به آن «فقه اصغر (1)» می گویند - از کهن ترین علوم دینی و دانش های بشری است. (2)

در باره تاریخ پیدایش علم کلام در میان مسلمانان اختلاف نظر هست. آن چه مسلم است این است که بحث های کلامی در شکل های گوناگون آن (آموزش اصول اعتقادی، مناظره و مجادله و نیز پرسش و پاسخ پیرامون مسایل اعتقادی، بلکه مطلق معارف اسلامی) از آغاز رسالت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در سطح گسترده مطرح بوده است و با این شیوه ها نیازهای مسلمانان به این گونه مسایل توسط خود آن حضرت و یا تربیت یافتگان راستین مکتبش، و در راس آن ها حضرت علی علیه السلام برطرف می شد. این شیوه ها پس از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله از سوی جانشین به حق آن حضرت، امام علی علیه السلام ادامه یافت. موقعیت ممتاز علمی علی علیه السلام موجب شد تا او به عنوان یگانه مرجع پاسخ گویی به پرسش های علمی و عقیدتی شناخته شده و هیچ رای و نظری مخالف رای و نظر او در افکار عمومی پذیرفته نشود.

پس از گذشت این دوران طلایی، پیدایش فرقه های گوناگون مذاهب اسلامی از یک سو، و باز بودن درهای جهان اسلام و آزاد بودن طرح همه گونه مسایل علمی و اسلامی از سوی دیگر، موجب شد تا هر کس بتواند آزادانه آرا و عقاید دینی - مذهبی خویش را بیان کند. در این میان برخی از مسایل اعتقادی، نظیر جبر و اختیار و بحث عدل بیش تر مطرح بوده و بحث ها و مناظره های بسیاری را به دنبال آورده است. (3)

با این که ائمه علیهم السلام بعدی نیز همان راه و روش پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام را در تبیین و تشریح درست مسایل اسلامی و در راس آن، مسایل اعتقادی تداوم بخشیدند، ولی به خاطر ناشناخته ماندن جایگاه بلند علمی - اسلامی آنان برای عامه مسلمانان و عدم پذیرش دیدگاه آنان از سوی علما و پیشوایان مذاهب دیگر از یک سو و دامن زدن به اختلاف آرا و کشمکش های مذهبی توسط حکام جور اموی و عباسی از سوی دیگر، زمینه گسترش بحث ها و مناظرات کلامی، بیش تر فراهم شد، و در مواردی هم سبب بروز جنجال ها و خشونت های تند سیاسی - نظامی گردیده و پیامدهای تلخ و زیانباری را به دنبال آورد.

این بحث ها و مناظره ها رفته رفته به حوزه های درسی کلامی - عقیدتی کشیده شد و پس از آن به تدوین کتب

کلامی، و در نتیجه تاسیس مکاتب کلامی مهم و مستقلی (در کنار مذاهب اسلامی) منجر گشت. (4)

اولین متکلم صدر اسلام

چنان که پیش از این اشاره شد، مباحث کلامی به خاطر در برداشتن مسایل زیربنایی اسلام یعنی عقاید دینی، در آیات قرآن به طور گسترده مطرح شده، و رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز به تبیین مسایل عقیدتی اسلامی به شکل های گوناگون می پرداخت.

به تصریح اندیشمندان اسلامی، اولین کسی که به طور مشخص و به صورت عقلانی و استدلالی به مباحث اعتقادی پرداخت، حضرت امیرمؤمنان علی علیه السلام بود. آن حضرت در خطبه ها، دعوت نامه ها، مناظرات و مذاکرات، معارف اسلامی را با دستمایه عقلانی و به همراه استدلال های عقلی مطرح می ساخت. همو بود که اولین بار در باره ذات و صفات باری، و نیز در باره حدوث و قدم، بساطت، ترکیب، وحدت، کثرت و غیر این ها بحث های عمیقی را مطرح کرد، که در نهج البلاغه و روایات مستند شیعه مذکور است. (5)

اولین مساله کلامی

اما اولین مساله کلامی مورد اختلاف چه بوده و از کی مطرح گردیده؟ در پاسخ باید گفت: اختلاف بر سر رهبری و جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله نخستین و حادثترین و دیرپاترین مساله کلامی پس از رحلت آن حضرت می باشد. (6)

بعد از جدال و نزاع در مساله امامت و جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله به دنبال سقیفه، جنگ صفین (سال 37 هجری) نیز با دسیسه بازی، سیاسی کاری و نیرنگ معاویه و عمروعاص، منتهی به تعیین خلیفه از سوی ابوموسی اشعری (42هق) و عمروعاص شد، که این خود عامل پیدایش گروهی مخالف و تندرو به نام خوارج گردید، که به شدت در برابر علی علیه السلام موضع می گرفتند؛ و تن دادن آن حضرت به حکمیت را مخالف صریح قرآن می دانستند، و مدعی شدند طبق صریح آیه قرآن، حکم تنها خدا است و بس. (7) در حالی که خود آنان در گرماگرم جنگ صفین فریب قرآن بر سر نیزه کردن معاویه و طرفدارانش را خوردند و علی علیه السلام را برای پذیرش حکمیت تحت فشار قرار دادند. به دنبال مساله حکمیت، مساله دیگری از سوی این گروه تندرو مطرح شد، و آن این بود که «مرتکب گناه کبیره کافر و مهدورالدم است» (8)؛ و خود نیز گناه کبیره را تفسیر و تعیین می کردند! (9)

پیدایش معتزله و اشاعره

طرح این مساله از سوی خوارج، مخالفت هایی را در پی داشت. از جمله کسانی که به مخالفت برخاست، حسن بصری (21-110 ه ق) بود. او که برخی علما تشکیل نخستین حوزه درسی فراگیر و مستقل کلامی را بدو نسبت می دهند (10)، در جلسات درس به شدت این رای خوارج را نکوهش کرده، و مرتکب کبیره را «مؤمن منافق» دانست.

یکی از شاگردان او به نام «واصل بن عطاء» (80-131 ه ق) این رای استاد را نپذیرفت، و از کلاس درس او کناره گرفت، و اعتزال و جدایی گزید. او در برابر رای خوارج و حسن بصری، رای میانه ای ارایه کرده و گفت: مرتکب کبیره نه مؤمن است و نه کافر، بلکه فاسق است.

بدین ترتیب فسق را منزلتی سوم و مستقل از دو پایگاه ایمان و کفر قرار داد.

این اعتزال و جدایی واصل، و طرح مساله «منزلة بین منزلتین» سرآغاز پایه ریزی اولین مکتب کلامی مستقل (معتزله) به شمار می آید؛ و بدین خاطر او را بنیان گذار مکتب معتزله می دانند.

پس از مدتی شخصی به نام ابوالحسن علی بن اسماعیل بصری اشعری (261-330 ه ق) که ابتدا بر مکتب معتزله بود، و آرای معتزله را از استاد و ناپدریش ابوعلی جبایی فرا می گرفت، پس از چهل سال پیروی از مکتب اعتزال، تحت تاثیر احمد حنبل به مخالفت با افکار معتزله پرداخت، و در جلسه سخنرانی به طور رسمی دیدگاه های معتزله در باره قضا و قدر (یا جبر و اختیار) و عدل الهی و نیز حسن و قبح عقلی و غیر آن را مخالف اسلام معرفی و از آن ها بیزارى جست. بدین طریق دومین مکتب مستقل و مهم کلامی یعنی (اشعری) پایه ریزی شد. (11)

اینک پس از آشنایی اجمالی با پیشینه علم کلام در اسلام، به بررسی علل شکوفایی علم کلام در زمان امام صادق علیه السلام می پردازیم. این علل دو نوع بوده اند: 1- علل اصلی؛ 2- علل فرعی.

علل اصلی شکوفایی علم کلام در عصر امام صادق علیه السلام

بررسی ها نشان می دهد که چند علت زیر به عنوان مهم ترین و اصلی ترین علل محسوب می شوند:

1. پیدایش و رشد مکاتب کلامی مهم معتزله و اشاعره

چنان که بیان شد مهم ترین مکاتب کلامی اسلامی - پس از مکتب کلامی شیعه امامیه که در مجموعه سخنان گران سنگ پیشوایان معصوم دینی علیهم السلام و در جوامع روایی بجا مانده از آن ها وجود دارد - مکتب کلامی معتزله و اشاعره است، که شالوده اصلی آن ها در دوران امام باقر و امام صادق علیهم السلام شکل گرفت. گرچه هسته اولیه آن ها پیش از این زمان تحت نام های «قدریه» و «جبریه» وجود داشته است و این دو گروه در اثر تحریکات حکام اموی به کشمکش ها و مناظرات و مشاجرات پرتنش مذهبی - کلامی می پرداختند، ولی در عصر این دو امام بزرگوار اختلاف آرایشان به خاطر بحث در باره این مساله که «آیا مرتکب گناه کبیره کافر است یا مؤمن؟» به نقطه اوج خود رسید، و با کناره گیری واصل بن عطاء از کلاس درس حسن بصری که او نیز گرایش به قدری مذهبی و تفویض داشت، موجب پیدایش مکتب اعتزال گردید. به دنبال آن و بعد از مدت زمان نسبتاً طولانی کشمکش و مناظره و بحث در باره مسایل گوناگون دینی - کلامی، مکتب کلامی اشاعره به وجود آمد. (12)

گرچه این اختلاف آرا، مناظرات و مشاجرات، آثار و پیامدهای شومی در جامعه اسلامی آن زمان به جا گذاشت، ولی به نوبه خود عاملی در جهت تضارب آرا و مباحث کلامی و اعتقادی گشته و شکوفایی و بالندگی بیش تر آن مباحث را به همراه داشت.

2. فضای باز سیاسی

از عوامل مهم نشر معارف اسلامی و شکوفایی علم کلام در عصر امام صادق علیه السلام، فراهم آمدن فضای نسبتاً باز سیاسی - اجتماعی می باشد. بر کسی پوشیده نیست که علم و دانش و پژوهش های علمی و فراگیری، فضای خاص خودش را می طلبد، و آن

هم محیطی دور از تنش ها و التهاب های سیاسی و برخوردار از آرامش و امنیت سیاسی - اجتماعی است، در چنین فضایی است که اندیشه های مستعد زمینه رشد می یابند و اندیشمندان و پژوهش گران مسایل علمی مختلف، برای دانش اندوزی و دانش آموزی و نشر آن به تکاپو می افتند. و نیز در سایه این رشد و شکوفایی علمی است که آموزش و پرورش، فراگیر شده و جهل و نادانی و بیسوادی از جامعه رخت بر می بندد. چنین فضای نسبتاً باز سیاسی - اجتماعی در عصر امام صادق علیه السلام به وجود آمده بود؛ زیرا این دوران مصادف شد با درگیری و نزاع میان دو گروه ریاست طلب و طماع بنی امیه و بنی عباس، برای دستیابی به حکومت و ریاست غاصبانه.

آنان برای رسیدن به قدرت، همچون گرگ های گرسنه به جان هم افتاده بودند. به حدی این دو گروه قدرت طلب و دنیاپرست به کشمکش و درگیری سیاسی - نظامی پرداخته و باهم مشغول شدند که از اوضاع سیاسی - اجتماعی اطراف خود غافل ماندند و یا این که فرصت و قدرت پرداختن به این گونه مسایل را نداشتند. ره آورد مثبت این مبارزات و کشمکش ها ایجاد فضای باز سیاسی و در نتیجه زمینه لازم جهت اظهار عقیده و آزادی بیان بوده است. در چنین فضای مناسبی عامه مسلمانان و در راس آنان اندیشمندان و متکلمان اسلامی فرصت را غنیمت شمرده و به بحث و تحقیق در باره مسایل علمی - اسلامی بویژه مسایل کلامی و اعتقادی پرداختند و بدین طریق موجبات رشد و شکوفایی علوم اسلامی بویژه علم کلام را فراهم کردند.

3. نقش امام محمد باقر علیه السلام

در بررسی علل شکوفایی علم کلام در زمان امام صادق علیه السلام، به یک عامل مهم و مؤثر دیگر نیز در این زمینه بر می خوریم که ما از آن به عنوان «عامل پیشینی» یاد می کنیم؛ و آن: «نقش امام محمد باقر علیه السلام» در پویایی علم کلام است.

به بیان روشن تر، می توان گفت تحول علمی و فضای باز سیاسی، پیش تر از دوران امام صادق علیه السلام، یعنی از دوران زندگانی پدر بزرگوارش حضرت امام باقر علیه السلام آغاز شده، و در دوران زندگی امام صادق علیه السلام این تحول شگرف علمی و فرهنگی تداوم یافته است.

به گواهی مورخان و محققان اسلامی حضرت امام باقر علیه السلام در شکوفایی علوم اسلامی بویژه علم کلام در آن مقطع حساس تاریخ اسلام نقش مهمی داشته است.

پس از امام باقر علیه السلام با پیگیری های مداوم فرزند بزرگوارش، یگانه دوران، امام جعفر صادق علیه السلام راه و روش علمی - کلامی آن امام گرامی به ثمر نشست، و حاصل آن، پایه گذاری مکتب علمی - کلامی تشیع شد. (13)

بیش تر فعالیت ها و بیانات اعتقادی امام باقر علیه السلام پیرامون دو اصل توحید و امامت دور می زد، زیرا این دو اصل بیش تر معرکه آرا بود.

اهم اقدامات امام باقر علیه السلام در تبیین دو اصل توحید و امامت عبارت بود از:

الف) نهی از تفکر در ذات حق که به خاطر رواج افکار ما دیگری و دهری مذهبی مطرح بود.

ب) رد دیدگاه های مشبه، مجسمه و معطله؛ (چون گروهی خدا را با مخلوقاتش تشبیه می کردند، گروهی دیگر برای خدا جسم قایل بودند و گروه دیگری نیز توصیف حق تعالی را به کلی مجاز ندانسته و آن را تعطیل اعلام کرده بودند. امام با اعتقادات هر سه گروه مبارزه کرد).

ج) رد و ابطال نظریات پیروان جبر و تفویض ؛ (یعنی مبارزه با دو گروه اشاعره و معتزله و نفی و تعدیل دیدگاه های کلامی آن دو).

د) ارایه تعریف درستی از ایمان؛ (گروهی ایمان را تنها اعتقاد و باور قلبی، و گروه دیگری اقرار زبانی، و دسته ای دیگر تنها در عمل منحصر می دانستند).

امام باقر علیه السلام با ارایه تعریف جامعی از ایمان، به کشمکش ها پایان دادند و فرمودند:

الایمان اقرار و عمل و الاسلام اقرار بلاعمل (14)

ایمان: اقرار (باطنی) و عمل، و اسلام: اقرار بدون عمل است.

ه) تبیین مفهوم امامت؛ (این که امامت نیز مانند نبوت یک منصب الهی است). (15)

4. نقش امام صادق علیه السلام

نقش حضرت امام صادق علیه السلام در احیای فرهنگ اسلام و شکوفایی علم کلام بسیار تعیین کننده است.

در واقع باید آن را عامل اساسی و «علة العلل» همه عوامل و علل شکوفایی علم کلام دانست.

پیش از آن که به تبیین نقش آن حضرت در شکوفایی علوم اسلامی بویژه علم کلام بپردازیم، خوب است از چند

عامل جانبی دیگر یاد کنیم، که در موفقیت آن حضرت نقش چشم گیری داشته اند. (16) آن عوامل جانبی

عبارتند از:

الف) سن و مدت امامت نسبتاً طولانی آن حضرت

امام جعفر صادق علیه السلام در سال 80 (یا 83) هجری قمری به دنیا آمد. و در سال 148 هجری به شهادت

رسید، بنابراین عمر شریفش 68 سال می باشد، که از این جهت از سایر ائمه علیهم السلام ممتاز می باشد.

هم چنین مدت امامت آن حضرت (که پس از شهادت پدر بزرگوارش حضرت امام باقر علیه السلام در سال 114

هجری قمری آغاز و تا سال 148 هجری قمری ادامه یافت)، 34 سال می باشد. بر اهل تحقیق پوشیده نیست که

این مدت عمر و امامت در میان ائمه علیهم السلام طولانی ترین زمان به حساب می آید، و این خود از عوامل

یاری دهنده آن حضرت در تحقق اهداف الهی امامتش می باشد.

ب) موقعیت سیاسی - اجتماعی

موقعیت سیاسی - اجتماعی امام صادق علیه السلام از میان ائمه علیهم السلام یک موقعیت کاملاً استثنایی

بود؛ زیرا آن حضرت در مقطعی از زمان می زیسته که می توان آن را «دوران بحران قدرت سیاسی» نامید. این

بحران خود زمینه مناسبی برای انجام کارهای علمی و فرهنگی ایجاد نمود.

امام صادق علیه السلام در دوران 34 ساله امامتش حدود 7 سال آن را با حکام بنی امیه هم عصر بود، که در این

دوران آن ها با رقبای سیاسی خود از بنی عباس در جنگ و ستیز نظامی به سر می بردند، و فرصت کنترل اوضاع

سیاسی و فرهنگی را نداشتند. پس از آن ها 27 سال در زمان عباسیان امامت داشت.

گرچه بنی عباس در این مدت از درگیری نظامی با بنی امیه فارغ شده بودند، اما با قیام های پی در پی علویان

مواجه بوده و بر اوضاع سیاسی به طور کامل مسلط نشده بودند؛ از این رو، پایه های حکومتشان سست و لرزان

بوده و قدرت پرداختن به مسایل دیگر و کنترل اوضاع سیاسی را نداشتند.

چنین موقعیتی برای حضرت امام صادق علیه السلام و شاگردان او زمینه نشر معارف دینی را فراهم کرده بود.

ج) گسترش علوم و پیدایش افکار و آرای گوناگون

عصر امام صادق علیه السلام همزمان بود با انتشار علوم اسلامی و انسانی از قبیل تفسیر، فقه، حدیث، کلام، انساب، لغت، شعر، طب، تاریخ، نجوم و غیر آن و نیز پیدایش افکار و اندیشه های مختلف، به طوری که سبب پیدایش مذاهب اسلامی و مکاتب کلامی شده بود. در این عصر از یک سو کتب فلسفی و کلامی از یونانی به عربی ترجمه شد. و از سوی دیگر افکار الحادی و به اصطلاح زندیق مسلکی رواج شایانی یافته بود، این ها خود عواملی بودند که در آن فضای باز سیاسی، تضارب آرا و برخورد اندیشه ها را فراهم کرده و علما و اندیشمندان اسلامی و در راس آنان حضرت امام جعفر صادق علیه السلام را به دفاع از ارزش های علمی - اسلامی برانگیخته بود، زیرا خوف آن بود که صاحبان اندیشه های نادرست و سردمداران کفر و الحاد با رواج شبهات عقیدتی و ایجاد تفرقه و تشتت آرا کار نیمه تمام بنی امیه در محو کامل فرهنگ اصیل اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله را به اتمام رسانیده، و به اهداف پلید خویش جامه عمل بپوشانند.

آری، چنین عصری با چنین ویژگی هایی ضرورت ایجاد تحول بنیادین علمی - فرهنگی، همراه با تبیین مبانی اصیل اسلامی را ایجاب می کرد. برای همین بود که امام صادق علیه السلام جهاد همه جانبه ای را در سنگر فرهنگ و علوم اسلامی آغاز، و پرچم مبارزه فرهنگی را که پدر بزرگوارش امام باقر علیه السلام برافراشته بود بر دوش کشید. امام جعفر صادق علیه السلام آموزگار بزرگ بشریت بود و با فضایل و سجایای بی مانند اخلاقی و کمالات والای انسانی در اوج قله شرف و مجد و عظمت قرار داشت.

هر چند در ساختمان بنای عظیم «مذهب جعفری اثنی عشری» پیشوایان پیش از او و پس از او نیز نقش داشتند، و از خود پیامبر صلی الله علیه و آله که شهر علم و دانش بود آغاز شده و با علی علیه السلام که دروازه آن شهر بود، و نیز امامان بعدی علیهم السلام تداوم یافت، لیکن تکمیل و تاسیس این بنای عظیم دینی - مذهبی (مکتب تشیع) به نام مبارک آن حضرت ثبت شده است.

در این جا چند نمونه از اعتراف دانشمندان مسلمان و غیر مسلمان را در باره شخصیت عظیم علمی امام جعفر صادق علیه السلام و نقشی که آن حضرت در تبیین مسایل دینی - اسلامی و تربیت شاگردان برجسته ایفا کرده است، می آوریم:

مالک بن انس، مؤسس مذهب مالکی در این باره می گوید:

در فضیلت و دانش و عبادت و پرهیزکاری، بلند مرتبه تر از جعفر بن محمد علیه السلام نه چشمی دیده و نه گوشی شنیده و نه به خاطر کسی خطور کرده است. (18)

ابوحنیفه، بنیانگذار مذهب حنفی، که خود نیز از شاگردان امام جعفر صادق علیه السلام است، می گوید: منصور خلیفه عباسی مرا گفت: هیچ می دانی که آوازه دانش و فضیلت جعفر بن محمد علیه السلام در سراسر دنیای اسلام پیچیده و او را در میان مردم موهبتی عظیم است؟ سپس از من خواست که معضلات مهم فقهی و مشکل ترین مسایل علمی را تهیه و با او به مناظره برخیزم و مغلوبش کنم! من نیز چهل مساله بسیار دشوار فقهی و علمی را آماده [کردم] و به امر منصور، در مجلس با او به مباحثه و مناظره نشستم، او به یکایک پرسش هایم پاسخ داد. از آن پس دانستم که جعفر بن محمد علیه السلام اعلم وافقه زمان است. (19)

نویسندگان کتاب «مغز متفکر جهان شیعه» که دهها تن از دانشمندان غربی می باشند، در باره رنسانس علمی که توسط امام جعفر صادق علیه السلام به وجود آمده است، در این کتاب با باز کردن عنوانی در قالب این پرسش: آیا عصر تجدد در علم را جعفر صادق علیه السلام بوجود آورد؟ با بیان نمونه هایی از نظریات جدید آن

حضرت در باره علوم جغرافیا، نجوم، فیزیک، شیمی و غیر آن اثبات می کند که آن حضرت عصر تجدد در علم را که اصطلاح امروزی آن در غرب «رنسانس علمی» است، به وجود آورده است. (20)

«رونالدسن» خاورشناس معروف در باره شیوه درس امام صادق علیه السلام می نویسد:

او دارای مکتبی شبه سقراطی است! شاگردانش در پیشرفت علمی فقه و کلام سهم بسزایی داشتند، و دو تن از شاگردانش «مالک و ابوحنیفه» بودند که صاحب مذاهب فقهی گردیدند. یکی از شاگردان او به نام «واصل بن عطاء» (رهبر معتزله) در جدل و بحث، دیدگاه هایی از خود ارایه داد که سبب اخراج او از جلسه درس امام جعفر صادق علیه السلام گردید. (21)

عبدالله بن مقفع و عبدالکریم بن ابی العوجاء، دو تن از زندیقان عصر، در مسجد الحرام به تماشای مردم ایستاده بودند. ابن مقفع به ابن ابی العوجاء رو کرده، و با اشاره به امام صادق علیه السلام می گوید:

از میان این جمع تنها این شیخ شایسته نام انسانی است! سپس شمه ای از فضایل علمی امام علیه السلام را برایش بازگو می کند.

ابن ابی العوجاء به سوی امام آمده و با او به بحث علمی می پردازد، و چون خود را در برابرش زیون و مغلوب می یابد، زبان به مدحش می گشاید! (22)

امام جعفر صادق علیه السلام، مناظرات و مباحثات زیادی با علمای مذاهب و مکاتب ترتیب داده بود، و در این مناظرات (که برخی از آن ها بسیار طولانی است) برحسب درک و فهم مخاطبان و با استفاده از شیوه های گوناگون استدلال، به بحث و مناظره می پرداخت.

از جمله مناظرات آن حضرت، مناظرات متعددی است که با ابوحنیفه پیشوای مذهب حنفی انجام داده است، و در همه آن ها بر او چیره شده، و ابوحنیفه در برابر مقام بلند علمی آن حضرت زبان به عجز و ناتوانی گشوده است. (23)

غرض امام از این مناظرات این بود که به ابوحنیفه و بلکه بالاتر به مردم مسلمان بفهماند کسی شایسته زعامت دینی و مقام پیشوایی بر مردم مسلمان است که بر تمام علوم اسلامی احاطه و بر اخبار غیبی نیز آگاهی داشته باشد. روشن است که چنین احاطه علمی و آگاهی های غیبی تنها اختصاص به کسانی دارد که از الهامات غیبی و افاضات خاص الهی برخوردار باشند، و چنین کسی در جهان، پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه اهل بیت او می باشند و بس.

از جمله کسان دیگری که امام جعفر صادق علیه السلام با آنان به بحث و مناظره نشست است، گروهی از

دانشمندان دهری مذهب مشهور به «زندیقان» یا «زناده» بوده اند. مهم ترین آن ها عبارت بودند از:

عبدالکریم بن ابی العوجاء، عبدالملک مصری، عبدالله بن مقفع، ابوشاکر دیصانی و تنی چند از طبیبان هندی دربار عباسیان.

این افراد در بحث ها و مناظرات خود با امام پس از ساعت ها بحث و طرح پرسش هایی از محضر آن حضرت، جواب هایی مستدل و محکم دریافت می کردند، و در برابر عظمت علمی امام و منطق قوی او چاره ای جز تسلیم و تواضع نداشته اند. گرچه برخی از آن ها به خاطر عناد و لجاجتی که داشتند در برابر حق و حقیقت سرفروید و نیاورده و مسلمان نشدند، ولی بسیاری از این گونه افراد در خلال بحث ها و مناظرات با امام وجدان خفته آن ها بیدار و راه حق را تشخیص می دادند و به دست آن حضرت مسلمان می شدند؛ و حتی محمدبن مقلاص آن چنان مجذوب بیان امام علیه السلام و مقهور منطق قوی او شد که راه غلو را در پیش گرفت. (24)

در این جا یک نمونه از بحث و مناظره امام صادق علیه السلام را از کتاب اهللیجه که توسط مفضل بن عمر روایت شده است می آوریم. در این بحث امام شیوه مجادله با شکاکان و کسانی که در آغاز راه معرفت بوده اند را نشان می دهد.

امام در این مناظره، این گونه سخن را آغاز کرده و می پرسد:

به من بگو آیا به همه سوی جهان رفته ای و به پایان آن رسیده ای؟ آیا به پایان همین آسمانی که دیده می شود پا نهاده ای، یا به عمق زمین فرو رفته ای و در سرزمین های گوناگون گردش کرده ای؟ چه می دانی شاید آنچه را رد می کنی، نتوانسته ای با حواس خود بیابی و دانشت بدان نرسیده است، و هرگاه از در انکار به در آمدی، و به وادی شک پا نهاده ای، امید است که سرانجام به معرفت (خدا) دست یابی! (25)

5. نقش شاگردان امام صادق علیه السلام

یکی دیگر از عواملی که موجب شکوفایی علم کلام و سایر علوم اسلامی در عصر امام صادق علیه السلام شد، وجود شاگردان برجسته آن حضرت در این زمینه است. آن ها بخش مهمی از رسالت های علمی و فرهنگی امام صادق علیه السلام را بر دوش کشیدند، و به نشر آرا، افکار و نظریات مرقی و نوین آن حضرت در رشته های مختلف علوم و معارف اسلامی بویژه علم کلام پرداختند.

سیره پسندیده مردان بزرگ علم و اندیشه در نشر معارف بشری و انتقال آن به نسل های پس از خود علاوه بر تدوین و تصنیف کتب، تربیت شاگردان شایسته و اندیشمندان فرهیخته است. حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نیز به عنوان یکی از بزرگ ترین آموزگاران جامعه بشری و از برترین فرهیختگان علوم اسلامی در این جهت موفقیت شایانی داشته و به خاطر موقعیت استثنایی زمانی و با استفاده بهینه و شایسته از فرصت طلایی به دست آمده، توانست شاگردان بسیاری را تربیت کند.

مجموع شاگردانی که از خرمن وجود این شخصیت کم نظیر در رشته های گوناگون علوم اسلامی و انسانی بهره ها بردند، بنابر برخی از اخبار و روایات از چهار هزار نفر بیش تر است. (26)

از میان اصحاب و شاگردان امام صادق علیه السلام گروهی بودند که خود آن حضرت از آن ها به عنوان «متکلم» یاد کرده است. مانند هشام بن حکم، هشام بن سلام، حمران بن اعین، ابوجعفر احول معروف به مؤمن الطاق، و... (27).

6. ترجمه آثار حکما و متکلمان بزرگ یونانی

از عوامل دیگری که موجب شکوفایی علم کلام در زمان امام صادق علیه السلام شده است، ترجمه کتب و آثار علمی حکما و متکلمان بزرگ یونانی به زبان عربی است. در محدوده جغرافیایی گسترده جهان اسلام و در میان مسلمانان، افراد فراوانی یافت می شدند که اهل فکر و مطالعه و تحقیق در آثار علما و حکمای مکاتب مختلف بودند و از چنان آزاد اندیشی در فراگیری علوم و معارف برخوردار بودند که فراتر از تحقیق و مطالعه در فرهنگ و عقاید سایر ملل و ادیان، به تعلیم و تدریس آثار علمی دیگر حکما و علمای مکاتب نیز همت گمارده بودند. این خود زمینه پیدایش «نهضت ترجمه» را فراهم کرد.

مورخان اسلامی در چگونگی رواج علوم و فنون یونان در جوامع آن روز و نیز چگونگی انتقال آن به جامعه اسلامی، چنین نوشته اند:

علوم و فلسفه در آتن توسط سقراط به افلاطون و ارسطو و سپس به دیگر حکمای بزرگ آن شهر تعلیم داده شد، و پس از مدتی تدریس و تعلیم آن در آتن به دیگر شهرها بویژه شهر اسکندریه در مصر منتقل گشت؛ و پس از آن در زمان خلیفه اموی «عمر بن عبدالعزیز» از اسکندریه و مصر به دیگر شهرها و نقاط اسلامی بویژه به منطقه انطاکیه و نیز حران انتقال یافت.

یکی از کسانی که از او به عنوان نخستین مترجم این آثار یاد می شود خالد بن یزید بن معاویه است. وی علاقه فراوانی به علم کیمیا داشته است. او به حکیم آل ابی سفیان شهرت داشت و مردی عالم و فاضل بود، و به علوم مختلف عنایت و عشق می ورزید.

خالد بن یزید فرمان داد تا گروهی از فیلسوفان یونان که در مصر ساکن بودند احضار شوند تا کتاب های کیمیا را از یونانی و قبطی به عربی ترجمه کنند. چنان که اشاره شد این نخستین بار بود که در جهان اسلام ترجمه کتاب از زبان یونانی به زبان عربی صورت گرفته است (28)، و پس از آن، کار ترجمه چنان رونق یافت، که به نام «نهضت ترجمه» معروف شده است.

علل فرعی رشد و شکوفایی علم کلام در عصر امام صادق علیه السلام

1. نقش عمر بن عبدالعزیز

عمر بن عبدالعزیز، که در میان خلفای اموی چهره نسبتاً خوبی داشته و مورخان از او به نیکی یاد می کنند؛ در مدت کوتاه خلافتش (99-101 ه)، به اصلاحات سیاسی - اجتماعی و برقراری عدالت و رعایت انصاف در میان مردم دست زد. وی از مظلوم و جفا کاری های فزون از شمار بنی امیه نسبت به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله تا حد زیادی کاست و اندکی از حقوق از دست رفته و پایمال شده آنان را احیا نمود. او فدک را نیز به اهل بیت علیهم السلام برگردانید بدین سبب توجه مسلمانان و علما را به خود جلب کرد، تا جایی که برخی زبان به ستایش او گشودند.

دانشمند بزرگ معتزلی «عمرو بن عبید» در باره اش گفته است:

عمر بن عبدالعزیز خلافت را بدون استحقاق تصاحب کرد، ولی چون عدالت به خرج داد سزاوار آن شد. (29) او علاوه بر این که در جهت اصلاحات سیاسی - اجتماعی و آزادی های فردی گام هایی برداشت، در بعد فرهنگی و علمی هم اقداماتی نمود، از جمله این که نقل روایت از پیامبر صلی الله علیه و آله و کتابت آن را (که تا آن هنگام از سوی دیگر حکام بنی امیه ممنوع اعلام شده بود و به شدت از آن جلوگیری می شد) آزاد کرد (30). هم چنین به علما و فقها بویژه حضرت امام محمد باقر علیه السلام احترام و اکرام شایانی کرد. وی علاوه بر آن که خود شخصا با برخی از علما و گروه های مذهبی به مذاکرات علمی (بویژه کلامی - اعتقادی) می پرداخت برقراری جلسات علمی و مباحثات کلامی را هم آزاد اعلام کرد.

این اقدامات مترقی و خدا پسندانه او هم (بویژه آزاد گذاشتن نقل و کتابت حدیث) گامی مؤثر در جهت رشد و شکوفایی علوم اسلامی مخصوصاً کلام محسوب می شود.

2. گسترش قلمرو جغرافیایی اسلام و ازدیاد مسلمانان

گسترش قلمرو جغرافیایی اسلام و ازدیاد مسلمانان، موجب شد تا مردم این سرزمین ها بویژه مردم سرزمین

هایی مانند ایران، هند، چین و... که دارای فرهنگ و تمدن کهن و ریشه دار بودند، به اسلام گرایش پیدا کنند و همراه با پرسش ها، اطلاعات و آگاهی های زیادی وارد حوزه تمدن و فرهنگ اسلام کردند به طور طبیعی این گسترش حوزه جغرافیایی اسلام و ازیاد مسلمانان با آن ویژگی که اشاره شد، تلاقی فرهنگ ها، تبادل و تعامل دانش ها، برخورد دیدگاه ها و تضارب آرا را در زمینه های گوناگون علمی - فرهنگی از جمله در زمینه حکمت، کلام و اعتقادات به دنبال داشته است. روشن است که این تلاقی فرهنگ ها و تضارب آرا و تعامل فکری، عامل مهمی در جهت رشد فرهنگی مسلمانان و شکوفایی و بالندگی علوم اسلامی بویژه علم کلام شده است. (31)

3. ظهور اختلافات مذهبی و پیدایش فرق اسلامی

گرچه ریشه عمده اختلافات مذهبی و پیدایش فرقه های اسلامی در یک نگرش تحلیلی و بررسی تاریخی، به اختلافات در برخی مسایل کلامی - اعتقادی بر می گردد که پیش تر اشاره شد، ولی در رویکردی دیگر به وقایع تاریخی - اسلامی و بررسی آن، به تاثیر گذاری عاملی دیگر (هر چند کم رنگ تر و ضعیف تر از عامل کلامی - اعتقادی) به نام عامل فقهی و اختلاف در فتاوی فقهی فقه های بزرگ مذاهب اسلامی پی می بریم. ریشه بسیاری از اختلافات مذهبی به اختلاف فقه های بویژه فقه اهل سنت (حنفی، شافعی، مالکی، و حنبلی) و برخی فرق دیگر بر می گردد. یعنی تعدد آرای فقهی فقه اهل سنت، برای تعدد آرای کلامی و اعتقادی؛ زیرا آنان برای اثبات حقانیت آرای فقهی خویش و انطباق آن با موازین شرع درصدد یافتن مبانی کلامی اجتهاد بر آمدند و به توجیه عقلانی دیدگاه های فقهی خویش پرداختند.

مؤید گفتار ما این است که مذاهب مهم اسلامی در دوران امام صادق علیه السلام شکل گرفته است و گفتیم که این دوران، دوران تضارب آرا و مواجه شدن علما و فقه با پرسش ها و شبهات عدیده ای در زمینه های مختلف دینی و مذهبی بوده است که بخش مهمی از آن ها به پرسش ها و شبهات فقهی و مسایل فرعی و عملی اسلام بر می گردد. همان طور که اشاره شد پاسخ به این گونه پرسش ها و شبهات فقهی نیز در بسیاری از موارد (بویژه آن گاه که از فلسفه احکام پرسیده شود) نیازمند مبانی کلامی و توجیه عقلانی است. این خود زمینه رشد و باروری مسایل کلامی را فراهم کرده و عامل رونق یافتن آن شده است. (32)

4. ظهور زناده و دهری مذهبان در عصر امام صادق علیه السلام

چنان که گذشت عصر امام صادق علیه السلام مصادف شد با پیدایش و رشد دهری مذهبی و الحادگرایی که در اصطلاح تاریخی - روایی به آن ها «زندیقان» یا «زناده» گویند. دو علت عمده رشد و رواج فزاینده دهری مذهبی پیش تر بیان شد. در بررسی علل ظهور و رشد فزاینده دهری مذهبان و زناده در عصر امام باقر و امام صادق علیهما السلام نباید از دو عامل قابل توجه غفلت کرد:

یکی ترجمه آثار حکما، فیلسوفان و متکلمان یونانی بود. بسیاری از این کتاب های ترجمه شده یا مستقیما در جهت نفی عقاید درست دینی بوده و یا به خاطر پیچیدگی و غموض برخی مسایل فلسفی، سوء برداشت و کج فهمی هایی را همراه داشته است، که در هر صورت زمینه ای برای انحراف از عقاید درست دینی و الحادگرایی فراهم کرده بود.

دیگری، نقش منفی و ضد دینی حکام بنی امیه و عملکرد سوء آن ها بود که باعث دامن زدن به دنیاگرایی و الحاد

شد، تا جایی که برخی از این دانشمندان زندیقی مذهب و یا مسیحی در دربار معاویه از منزلت و اعتبار برخوردار بوده و آزادانه به ترویج عقاید خود می پرداختند.

وجود این گونه افراد در جامعه اسلامی آن روز بویژه زندیق مسلکانی چون ابن ابی العوجاء، عبدالله بن مقفع، ابوشاکر دیصانی، عبدالملک مصری و... و بیان ناقص و تحریف شده اسلام توسط بنی امیه زمینه انحراف در عقیده و عمل را برای عموم مسلمانان فراهم کرده بود. این ها موجب شد تا دانشمندان بزرگ اسلامی و امام باقر و امام صادق علیهما السلام به تشریح و تبیین مبانی دینی - اسلامی پرداخته و به شبهات و پرسش های منکران و زندیقان پاسخ منطقی و مستدل دهند. (33)

فهرست منابع

قرآن کریم

- 1- آشنایی با علوم اسلامی، شهید مطهری، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
- 2- اصول کافی، ثقة الاسلام کلینی، چاپ تهران.
- 3- الارشاد، شیخ مفید، مکتبه بصیرتی، قم.
- 4- الامام الصادق علیه السلام و المذاهب الاربعه، اسد حیدر، مکتبه الامام امیرالمؤمنین علیه السلام، اصفهان.
- 5- الفرق بین الفرق، عبدالقاهر بغدادی، دارالمعرفه، بیروت.
- 6- امام جعفر صادق علیه السلام، عبدالحلیم جندی، نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
- 7- الامام الصادق علیه السلام، ابوزهرة، دارالفکر العربی، بیروت.
- 8- اعلام الوری باعلام الهدی، فضل بن حسن طبرسی، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت.
- 9- بحارالانوار، علامه مجلسی، چاپ تهران.
- 10- تاریخ علم کلام در ایران و جهان اسلام، علی اصغر حلبی، انتشارات اساطیر.
- 11- تاریخ معتزله، محمدجعفر جعفری لنگرودی، نشر کتابخانه گنج دانش، تهران.
- 12- تحف العقول، ابومحمد حسن بن علی الحرائی، نشر اسلامی جامعه مدرسین، قم.
- 13- سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی، نشر مؤسسه تعلیماتی و تحقیقاتی امام صادق علیه السلام.
- 14- سیره عملی اهل بیت علیهم السلام، سیدکاظم ارفع، نشر مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی فیض کاشانی.
- 15- شاگردان مکتب ائمه علیهم السلام، محمدعلی عالمی دامغانی، چاپخانه علمیه، قم.
- 16- شخصیت امام صادق علیه السلام، احمد مغنیه، انتشارات اردیبهشت، تهران.
- 17- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید معتزلی، چاپ بیروت.
- 18- شرح المقاصد، سعدالدین تفتازانی، انتشارات شریف رضی، قم.
- 19- شوارق الالهام، ملاعبدالرزاق لاهیجی، انتشارات مهدوی، اصفهان.
- 20- صادق آل محمد صلی الله علیه و آله، محمود منشی، انتشارات زمانه.
- 21- صفحاتی از زندگانی امام جعفر صادق علیه السلام، محمدحسین مظفر، انتشارات رسالت، قم.
- 22- دانشنامه جهان اسلام، سیدمصطفی میرسلیم، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد.
- 23- زندگی امام باقر علیه السلام، احمد حیدری، نشر دفتر نمایندگی ولی فقیه در جهاد سازندگی خراسان.
- 24- فرهنگ عقاید و مذاهب اسلامی، جعفر سبحانی، انتشارات توحید، قم.

- 25- گوهر مراد، ملاعبدالرزاق لاهیجی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
- 26- مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین، اسماعیل اشعری، انتشارات امیرکبیر.
- 27- مروج الذهب و معادن الجواهر، علی بن حسین مسعودی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- 28- معجم رجال الحديث، سیدابوالقاسم خویی، نشر دارالزهراء، بیروت.
- 29- مغز متفکر جهان شیعه، انتشارات جاویدان.
- 30- مناقب ابن شهر آشوب، چاپ قم.
- 31- موسوعة الامام الصادق علیه السلام، سیدمحمدکاظم قزوینی، مطبوعات سیدالشهداء، قم.
- 32- پرتوی از چهره درخشان امام صادق علیه السلام، ترجمه محمدرضا انصاری، کانون انتشارات محمدی، تهران.

پی نوشت ها :

- (1) راز این نام گذاری روشن است؛ زیرا اعتقادات زیر بنای فکری - عقیدتی انسان را تشکیل می دهد، و در سایه اصول فکری و اعتقادی درست است که اعمال آدمی ارزش و اعتبار می یابد و زمینه کمال و رشد و تعالی انسان را فراهم می کند. از این رو، به موازات احکام عملی که به آن «فقه اصغر» می گویند، اصول و معارف اعتقادی را «فقه اکبر» می نامند.
- (2) ر.ک: شوراق الالهام، ملاعبدالرزاق فیاض لاهیجی، ج 1، صص 4 و 12، انتشارات مهدوی، اصفهان ؛ شرح مقاصد، سعدالدین تفتازانی، ج 1، صص 165-166، انتشارات شریف رضی، قم.
- (3) بحث جبر و اختیار که در بردارنده بحث قضا و قدر نیز می باشد - زیرا از آن جهت که به انسان مربوط است «جبر و اختیار» معنا می شود و از آن جهت که به خدا بر می گردد «قضا و قدر الهی» نامیده می شود - موجب پیدایش بحث پیرامون مساله عدل نیز شده است؛ زیرا میان جبر و ظلم از یک سو و اختیار و عدل از سوی دیگر رابطه ای تنگاتنگ دیده می شود. ر.ک آشنایی با علوم اسلامی، شهید مطهری، ص 146، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
- (4) اقتباس از گوهر مراد، عبدالرزاق لاهیجی، به تصحیح زین العابدین قربانی و جمعی دیگر، صص 44-46، انتشارات وزارت ارشاد اسلامی؛ آشنایی با علوم اسلامی، شهید مطهری، صص 144-145.
- (5) ر.ک. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید (4 جلدی) ج 2، ص 129، چاپ بیروت، و آشنایی با علوم اسلامی، شهید مطهری، ص 174.
- (6) مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین، ابوالحسن اشعری - ترجمه محسن مؤیدی، ص 9، انتشارات امیرکبیر.
- (7) انعام (5) : آیه 57.
- (8) ر.ک. الفرق بین الفرق، ابومنصور عبدالقاهر بغدادی، صص 73-74 و 81، دارالمعرفة، بیروت.
- (9) توجه شود، مراد از گناه کبیره، غیر از شرک به خدا است، زیرا در کافر بودن مشرک میان مسلمانان اختلافی نیست.
- (10) ر.ک. آشنایی با علوم اسلامی، شهید مطهری، ص 144.
- (11) اقتباس از تاریخ علم کلام در ایران و جهان اسلام، علی اصغر حلبی، صص 36-37 و 72-73 و 44-45 و 83. و فرهنگ عقاید و مذاهب اسلامی، جعفر سبحانی، ج 2، صص 12-13 و 18-19، انتشارات توحید، قم.

طرح یک پرسش و پاسخ آن ضروری است، و آن این که چرا شیعه هم مثل اهل سنت دارای مکتب کلامی مستقلی نبوده و نیست؟ پاسخ روشن است زیرا با وجود پیشوایان معصوم علیهم السلام و پاسخ گویی آنان به پرسش های عقیدتی، نیازی به چنین مکتب مستقلی نبود. اما پس از دوران ائمه علیهم السلام علما و متکلمان شیعی با الهام از سخنان بجا مانده از آنان مکتب کلامی شیعی را پایه ریزی کرده اند.

(12) تقریباً در همان زمان که ابوالحسن اشعری در عراق به تاسیس مکتب کلامی اشعریه دست زد، ابومنصور محمد بن محمود حنفی سمرقندی (متوفای 333 هـ ق) در ماوراء النهر مکتب کلامی «ماتریدیه» را پایه ریزی کرده است. تاریخ علم کلام، علی اصغر حلبی، ص 49.

(13) ر.ک: سیره عملی اهل بیت علیهم السلام، سیدکاظم ارفع، ج 2، صص 51-62، نشر مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی فیض کاشانی؛ الامام الصادق و المذاهب الاربعه، اسد حیدر، ج 1، صص 434-440، مکتبه الامام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، اصفهان.

(14) تحف العقول عن آل الرسول، شیخ ابومحمد حسن بن علی بن حسین الحرانی، ص 297، مؤسسه نشر اسلامی مدرسین، قم.

(15) ر.ک: زندگانی امام باقر علیه السلام، احمد حیدری، صص 150-157، تهیه و نشر نمایندگی ولی فقیه در جهاد استان خراسان.

(16) ما شیعیان و پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام بر این باوریم که همه ائمه کلامشان نور و طینتشان واحد و منصوب از جانب خدا و رسولش هستند و نیز وارث علوم پیامبران گذشته و پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله می باشند. از این رو، با این که هر کدام از آن ها به ویژگی هایی ممتاز گشته اند، ولی همگی از شخصیت الهی - انسانی و فضایل و کرامت های نفسانی و علم و ایمان یکسان برخوردار بوده اند، و رسالت های الهی خویش را به نحو احسن واکمل به انجام رسانده اند.

به عنوان مثال، اگر حضرت امام جعفر صادق علیه السلام به جای حضرت امام حسین علیه السلام و در عصر و زمان آن حضرت می زیست همان کاری را می کرد که امام حسین علیه السلام کرده است، یعنی دست به قیام خونین کربلا و نهضت عاشورا می زد، به عکس، اگر امام حسین علیه السلام نیز در شرایط زمانی و مکانی و موقعیت سیاسی امام صادق علیه السلام بسر می برد، همان شیوه اش را در نشر معارف اسلامی، و ایجاد تحول بنیادی علمی و فرهنگی به کار می برد.

(17) ناگفته نماند اگر می بینیم امام صادق علیه السلام هم خود وارد معرکه دعوای سیاسی نمی شود، و هم دیگر علویان مبارز و انقلابی را از سرانجام کار و ناکامی در مبارزات خبر می دهد، برای این بود که شرایط سیاسی و اجتماعی را برای قیام مسلحانه مناسب نمی دید، گواه گفتار ما نپذیرفتن رهبری قیام ابومسلم خراسانی و دیگر هم رزمانش است. ر.ک. سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی، صص 382-390، نشر مؤسسه تعلیماتی و تحقیقاتی امام صادق علیه السلام، قم.

(18) مناقب ابن شهر آشوب، ج 4، ص 248، چاپ قم.

(19) ر.ک: صادق آل محمد صلی الله علیه و آله، محمود منشی، ص 133، مؤسسه انتشارات زمانه، چاپ اول.

(20) ر.ک: مغز متفکر جهان شیعه، تهیه مرکز مطالعات اسلامی استراسبورگ، ترجمه ذبیح الله منصوری، صص 91-107 سازمان انتشارات جاویدان، چاپ هشتم، مهرماه 1360. 3. البته گرچه این کتاب گوشه هایی از حقایق زندگی و شخصیت علمی امام صادق علیه السلام را بیان کرده است، ولی مطالب نادرست و باطل فراوانی نیز در

آن یافت می شود. از این رو، کسانی که قصد مطالعه این کتاب را دارند باید به این مساله مهم توجه داشته باشند.

(21) به نقل از کتاب امام جعفر صادق علیه السلام، عبدالحلیم جندی، ترجمه عباس جلالی، ص 238.

(22) ر.ک: ارشاد شیخ مفید، صص 280-281، چاپ مکتبه بصیرتی، قم؛ اصول کافی، ج 1، صص 74-75، چاپ اسلامی، تهران.

(23) ر.ک: پرتوی از چهره درخشان امام صادق علیه السلام، به قلم چند دانشمند اسلامی، ترجمه محمدرضا انصاری، صص 56-61، کانون انتشارات محمدی، تهران.

(24) ر.ک: اصول کافی، ج 1، صص 119-153، ترجمه و شرح محمدباقر کمره ای، نشر اسلامی، تهران؛ پرتوی از چهره درخشان امام صادق علیه السلام، صص 80-87.

(25) امام جعفر صادق علیه السلام، عبدالحلیم جندی، ترجمه عباس جلالی، ص 315.

(26) ر.ک: صفحاتی از زندگانی امام جعفر صادق علیه السلام، محمدحسین مظفر، ترجمه و نگارش سیدابراهیم سیدعلوی، ص 224، انتشارات رسالت قلم، تهران.

(27) ر.ک: امام جعفر صادق علیه السلام، عبدالحلیم جندی، ترجمه عباس جلالی، ص 240؛ نشر سازمان تبلیغات اسلامی.

(28) موسوعة الامام الصادق علیه السلام، سیدمحمدکاظم قزوینی، ج 2، صص 420-421، مطبوعات سیدالشهداء قم.

یادآوری این نکته لازم است که برخی از متکلمان بزرگ مسیحی در دربار معاویه در شام به سر می بردند و از آزادی کامل در بیان عقاید خود برخوردار بودند؛ این ها نیز تا حدودی در انتقال فرهنگ یونان و اروپای آن زمان به جامعه اسلامی نقش داشتند. مانند یحیی دمشقی، سرجون بن منصور، اخطل، شاعر عرب زبان مشهور، غیلان دمشقی (قدری مذهب)، که در دمشق مذهب کلامی اعتزال را تبلیغ می کرد و با عمر بن عبدالعزیز مباحثاتی نیز داشته است. ر.ک: تاریخ معتزله، محمدجعفر جعفری لنگرودی، صص 101-102، نشر کتابخانه گنج دانش، تهران.

(29) ر.ک. مروج الذهب و معادن الجواهر، ابوالحسن علی بن حسین مسعودی، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج 2، ص 197، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.

(30) ر.ک. سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی، صص 314-325؛ امام جعفر صادق علیه السلام، ص 228.

(31) آشنایی با علوم اسلامی، شهید مطهری، ص 145.

(32) ر.ک. تاریخ علم کلام در ایران و جهان اسلام، علی اصغر حلبی، صص 67-71؛ مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین، اسماعیل اشعری، ترجمه محسن مؤیدی بویژه صص 15-17 و 40-41 و 49 و 69 و 150.

(33) برگرفته از دانشنامه جهان اسلام، حرف «ب» جزوه چهارم، زیر نظر سیدمصطفی میرسلیم، صص 631-632، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی؛ تاریخ معتزله، محمدجعفر جعفری لنگرودی، صص 101-102.